

روایت چهارم

قصه‌ی پایداری: قلبی برای غزه

به کوشش: سرکار خانم رجاء بحرانی پور / آموزگار دوره ابتدایی
دبستان نصر ۲/ مشهد/ خراسان رضوی

معرفی اجمالی طرح

رویکرد آموزشی استراتژی معلم در مقطع دبستان، کودکان جهان را از دریچه «خیر و شر» و «قهرمان و ضدقهرمان» می بینند. من به عنوان معلم، این مفاهیم را از طریق روایتگری پیش بردم و از آن جایی که بنده در جنگ ۸ ساله در خرمشهر بودم (۸ ماهه) با روایت آن روز ها از زبان مادرم سعی کردم ارتباط عینی بین کودکان ایران و غزه ایجاد کنم و داستان های آزاد سازی خرمشهر و اتفاقات آن زمان را روایت کنم البته به طوری که از ایجاد ترس یا اضطراب در آن‌ها جلوگیری شود. تمرکز من بر جایگاه «مظلوم» و تحسین «ایستادگی برای حق» بود.

گام های اجرای پروژه

گام اول: زبان هنر و قصه

به جای نشان دادن تصاویر خشن، از داستان های واقعی کودکان غزه استفاده کردم. مثلاً روایت کودکی که با وجود سختی‌ها، درس خواندن را رها نمی‌کند .هدف: ایجاد پیوند عاطفی. کودک دبستانی باید حس کند آن هم سال او در غزه، مثل خودش دوست دارد بازی کند، به مدرسه برود و در کنار خانواده باشد.

گام دوم: مفهوم «مقاومت» به زبان کودکانه

مقاومت را به «نه گفتن به زورگویی» معنا کردم. برای مثال» :مقاومت یعنی وقتی کسی به تو می‌گوید حق نداری در خانه‌ات باشی، تو با شجاعت در خانه‌ات بمانی و از آن دفاع کنی .استفاده از تمثیل: مقاومت مانند درختی است که در طوفان ریشه‌هایش را محکم‌تر می‌کند تا از باغچه کوچکش محافظت کند.

گام سوم: فعالیت عملی

دیوار مهربانی غزه: دانش‌آموزان نقاشی‌ها یا نامه‌هایی خطاب به کودکان غزه کشیدند و نوشتند و روی یک بردد در مدرسه نصب می‌کردند.

نماد پایداری: کاردستی‌هایی با نمادهای ساده (مثل کلید که نشانه بازگشت به خانه است) را در زنگ هنر بعنوان کاردستی انجام دادند تا مفاهیم به صورت بصری در ذهنشان حک شود.

نکات کلیدی: برای من به عنوان معلم پرهیز از فضای دلهره‌آور : هدف، ایجاد روحیه «امید» و «مبارزه با ظلم» بود، نه ایجاد وحشت از جنگ.

پاسخ به سوالات: اگر دانش‌آموزی سوالی درباره جنگ پرسید، صادقانه اما با زبان ساده پاسخ دادم: «عده‌ای می‌خواهند جای زندگی مردم را بگیرند و آن‌ها با شجاعت از خانه‌شان دفاع می‌کنند.

نتیجه‌گیری اخلاقی: در نهایت، بحث را به سمت ارزش‌های جهانی می‌بردم: «همه ما در هر جای دنیا که باشیم، باید از حق دفاع کنیم و در کنار مظلوم بایستیم.

در این راستا شروع کار من با کتاب «از ایرانمان دفاع کنیم» بود و داستان های واقعی و جذاب این کتاب به من بسیار کمک کرد تا دانش آموزان به صورت عینی و ملموس جنگ غزه را درک کنند و با کشیدن نقاشی و بازی های این کتاب مقاومت در ذهنشان حک شد.

تقویم و زمان بندی

زمان در نظر گرفته شده برای این پروژه، طول سال تحصیلی بود که با مجازی شدن کلاس ها به مشکلاتی برخورد کردیم که با همفکری همکاران، برنامه های آموزشی ما بلافاصله در مسجد و به نحوی خاص برگزار شد؛ البته حضور در مسجد محاسن فراوانی نیز داشت که در ادامه توضیح خواهم داد.

گزارش اجرای پروژه

۱. بخش قصه‌گویی (روایت امید)

در روز نخست، فضای کلاس را با یک قصه آغاز کردم. محور قصه، روایت زندگی روزمره کودکی هم‌سن‌وسال دانش‌آموزانم در غزه بود؛ نه با تمرکز بر صدای انفجار، بلکه با تمرکز بر «عشق به کتاب»، «کمک به مادر» و «امید به فردا»

مشاهده: در حین قصه، سکوت عمیقی کلاس را فراگرفته بود. دانش‌آموزان با پرسیدن سوالاتی مثل «آیا او هم مثل ما کیف مدرسه دارد؟»، «آیا هنوز هم می‌تواند به بازی در کوچه فکر کند؟»، نشان دادند که به‌خوبی با شخصیت قصه هم‌ذات‌پنداری کرده‌اند. این بخش، پل ارتباطی ما برای درک مفهوم «مظلومیت» بدون ایجاد شوک روانی بود.

۲. بخش نقاشی (تجسم مفاهیم)

از دانش‌آموزان خواستم «حس خود نسبت به مقاومت و همدلی و امید» را نقاشی کنند.

تحلیل آثار (نمادهای تکرارشونده): اکثر دانش‌آموزان از «خورشید» (به نشانه امید)، «درخت زیتون» (به‌نشانه ریشه‌داشتن در خاک) و «پرچم‌هایی که در دست بچه‌هاست» استفاده کردند.

۳. بخش نامه‌نگاری (پل‌های کاغذی)

آخرین مرحله، نوشتن نامه‌هایی کوتاه برای کودکان غزه بود.

گزیده‌ای از محتوای نامه‌ها: «سلام دوست من، می‌دانم که الان سخت است، اما یادت باشد که تو قهرمان دنیایی که از خانه‌ات دفاع می‌کنی.»؛ «من اینجا در کلاس درس هستم و برایت دعا می‌کنم. امیدوارم روزی با هم در یک مدرسه درس بخوانیم.»

مدیریت احساسات: ترس اولیه دانش‌آموزان از واژه «جنگ»، به کنجکاوی برای شناخت «مقاومت» تبدیل شد. آن‌ها آموختند که مقاومت، یعنی ایستادن روی پای خود و اجازه ندادن به دیگران برای گرفتن شادی‌ها و خانه. در اینجا من باز هم داستان جنگ ساله را مطرح کردم و اینکه خانواده من جزء آخرین نفراتی بود که از خرمشهر خارج شد و پدرم تا آخرین لحظه حاضر نمی‌شد از خانه و کاشانه خود جدا شده و آن را به دشمن ظالم بسپارد.

پیشنهاد: برای تداوم این اثرگذاری، پیشنهاد شد از نمادی خاص استفاده شود و آن نقشه بزرگ ایران همدل در ورودی سالن مدرسه بود با لباس اقوام مختلف ، دانشمندان، شهدا، بزرگان و عالمان دینی ایران عزیزمان و نمایشگاهی در راهروی مدرسه برای بازدید والدین و دانش‌آموزان نیز برگزار گردید تا پیوند میان مدرسه و خانه در این ارزش اخلاقی مستحکم‌تر شود و این نماد زیبا بسیار تاثیرگذار بود.











بررسی نتایج و ره‌آوردها

اجرای این طرح در مقطع دبستان، با تکیه بر قصه‌گویی، نقاشی و نامه‌نگاری، نتایج آموزشی و تربیتی قابل‌توجهی به همراه داشت. مهم‌ترین دستاورد این برنامه، ایجاد پیوندی عاطفی میان دانش‌آموزان و مفهوم همدلی با کودکان آسیب‌دیده و درک ساده‌سازی‌شده‌ای از پایداری و ایستادگی در برابر سختی‌ها بود.

۱. تقویت همدلی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان توانستند خود را جای کودکان غزه بگذارند و نسبت به شرایط آنان احساس نزدیکی بیشتری پیدا کنند. این همدلی، زمینه‌ساز شکل‌گیری حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سطح متناسب با سن آنان شد؛ به‌گونه‌ای که کودکان فهمیدند می‌توانند با دعا، نوشتن پیام‌های محبت‌آمیز و کارهای نمادین، همراه دیگر کودکان باشند.

۲. آشنایی با مفهوم مقاومت به زبان کودکانه یکی از مهم‌ترین ره‌آوردهای طرح، انتقال مفهوم «مقاومت» به شکلی قابل‌فهم برای دانش‌آموزان بود. مقاومت در این برنامه نه به‌صورت مفهومی

سیاسی، بلکه به عنوان ایستادگی، حفظ امید، دفاع از حق و نپذیرفتن ظلم معرفی شد. این موضوع باعث شد دانش‌آموزان با ارزش‌هایی مانند شجاعت، پایداری و حفظ کرامت انسانی آشنا شوند.

۳. رشد مهارت‌های بیانی و هنری فعالیت‌های نقاشی و قصه‌گویی، فرصت مناسبی برای بروز احساسات و افکار دانش‌آموزان فراهم کرد. بسیاری از دانش‌آموزان توانستند از طریق تصویر و نوشته، آنچه را که شاید نتوانند به صورت مستقیم بیان کنند، منتقل کنند. این امر به رشد خلاقیت، مهارت بیان عاطفی و اعتماد به نفس آن‌ها کمک کرد.

۴. کاهش نگاه سطحی به جنگ پیش از اجرای طرح، بسیاری از دانش‌آموزان جنگ را صرفاً با ترس، صداهای شدید و تصاویر مبهم می‌شناختند؛ اما پس از برنامه، نگاه آن‌ها به سمت درک رنج انسان‌ها، ارزش صلح و اهمیت دفاع از خانه و هویت هدایت شد. این تغییر نگاه، یکی از مهم‌ترین نتایج تربیتی طرح به شمار می‌رود.

۵. تقویت روحیه جمعی و همکاری فعالیت‌های گروهی مانند دیوار مهربانی، نمایش نقاشی‌ها و خواندن نامه‌ها در کلاس، باعث افزایش تعامل میان دانش‌آموزان شد. آن‌ها یاد گرفتند که احساسات و آثار خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و در یک هدف مشترک تربیتی سهیم باشند.

جمع‌بندی

در مجموع، این طرح توانست ضمن آشنایی دانش‌آموزان با شرایط مردم غزه، مفاهیمی چون همدلی، امید، مقاومت، مسئولیت‌پذیری و نوع‌دوستی را در قالبی ساده و متناسب با سن آنان تقویت کند. ره‌آورد اصلی این برنامه، تربیت کودکانی حساس‌تر نسبت به رنج دیگران و آگاه‌تر نسبت به ارزش ایستادگی در برابر ظلم بود.

تا جایی که دانش‌آموزان مدرسه ما خود را موظف کردند تا در راهپیمایی‌ها با شوق و علاقه شرکت کرده و سرود همگانی را هر شب در محله‌ای از شهر بخوانند و پرچم غزه در دست بگیرند.

محدودیت‌های اجرایی

اجرای طرح‌های تربیتی و اجتماعی در مقطع دبستان با موضوعات حساس و چالش‌برانگیز، همواره با محدودیت‌ها و ظرافت‌های خاصی همراه است. شناخت این محدودیت‌ها به معلم کمک می‌کند تا ضمن پیش‌بینی واکنش‌ها، از بروز آسیب‌های احتمالی پیشگیری کند. برخی از این محدودیت‌ها عبارتند از:

۱.تفاوت در سطح درک و بلوغ عاطفی دانش‌آموزان

چالش: همه دانش‌آموزان یک کلاس، توانایی یکسانی برای پردازش مفهوم «جنگ و ظلم» ندارند. ممکن است برای یک دانش‌آموز کلاس اولی، شنیدن داستان دوری از خانه با تصویر ذهنی ترسناکی از «گم شدن» همراه شود، درحالی‌که دانش‌آموز کلاس ششمی آن را در لایه‌های تحلیلی‌تری درک کند.

راهکار: معلم باید محتوا را به شکلی ارائه دهد که برای «حساس‌ترین» عضو کلاس، اضطراب‌آور نباشد.

۲.«آگاهی‌بخشی» و «آسیب روانی» (تروما)

چالش: خطر انتقال مستقیم تصاویر خشونت‌آمیز یا توصیفات تکان‌دهنده، می‌تواند منجر به کابوس‌های شبانه، اضطراب جدایی از والدین یا ترس از ناامنی در محیط زندگی خود دانش‌آموز شود.

راهکار: پرهیز اکید از جزئیات آسیب‌های جسمی و تمرکز بر «پایداری» و «امید»، کلید کنترل این محدودیت است.

۳.تفاوت دیدگاه‌های خانواده‌ها

چالش: مدرسه محیطی است که خانواده‌ها با سلایق و دیدگاه‌های مختلف در آن حضور دارند. ممکن است برخی والدین نسبت به ورود موضوعات سیاسی یا حتی مفاهیم مرتبط با مقاومت در فضای مدرسه نگاه انتقادی داشته باشند یا تصور کنند این مباحث برای سن فرزندشان زود است.

راهکار: اطلاع‌رسانی شفاف به اولیا درباره اهداف تربیتی طرح مثل «آموزش همدلی» و «تقویت روحیه نوع‌دوستی» پیش از اجرا، می‌تواند سوءتفاهم‌ها را به حداقل برساند.

۴.احتمال سوءبرداشت یا کلیشه‌سازی

چالش: این خطر وجود دارد که دانش‌آموزان به دلیل عدم درک پیچیدگی‌های تاریخی، دچارِ نگاه‌های تک‌بعدی شوند. برای مثال، ممکن است کودک در ذهن خود گروهی از انسان‌ها را صرفا «بد» و گروهی را «خوب مطلق» ببیند و این نگاه دوقطبی، به جای اصلاح، در ذهن او نهادینه شود.

راهکار: تاکید بر «دفاع از مظلوم» به عنوان یک ارزش انسانی جهان‌شمول، فارغ از برچسب‌های سیاسی

۵.محدودیت زمانی و برنامه درسی

چالش: مدارس با حجم انبوهی از سرفصل های آموزشی مواجه هستند. اختصاص زمان کافی به چنین طرح هایی که نیاز به کار عمیق عاطفی دارد، در فشردگی برنامه درسی دشوار است و ممکن است باعث شود معلم طرح را شتاب زده اجرا کند.

راهکار: گنجاندن فعالیت‌ها در دل درس‌هایی مثل «هنر»، «هدیه‌های آسمانی» یا «انشا»، به‌گونه‌ای که به برنامه اصلی ضربه نزند.

که در این راستا ما سعی کردیم در حین تدریس هدیه و انشاء نکات لازم را مطرح کرده و در بحث بگنجانیم.

۶.بازخورد متناقض رسانه ها

چالش: دانش‌آموزان در خانه و فضای مجازی با روایات متناقضی از وقایع مواجه می‌شوند. تضاد بین آنچه در مدرسه می‌شنوند و آنچه در خانه یا فضای رسانه‌ای می‌بینند، ممکن است باعث سردرگمی ذهنی کودک شود.

راهکار: معلم باید فضایی امن برای پرسش و پاسخ فراهم کند تا دانش‌آموز بتواند سوالات یا تناقض های ذهنی خود را بدون ترس مطرح کند.

محدودیت های اجرایی در زمان مجازی بودن کلاس ها

۱.فقدان حضور آرام بخش معلم

چالش: در کلاس حضوری، لحن صدای معلم، لبخند او و فضای امن کلاس، اضطراب احتمالی کودک از شنیدن موضوع جنگ را خنثی می‌کند. در فضای مجازی، ممکن است دانش‌آموز پشت سیستم یا گوشی، تنها با کلمات یا تصاویری روبرو شود که در نبود حضور فیزیکی معلم، برایش سنگین یا ترسناک جلوه کند.

راهکار: معلم باید پیش از شروع بحث، یک ویدئوی کوتاه از خودش ضبط کند و با لحنی بسیار آرام، صمیمی و مطمئن بگوید که این گفتگو صرفا درباره «مهربانی و دوستی» است

۲.ناتوانی در مدیریت هیجانات لحظه‌ای

چالش: اگر هنگام صحبت درباره غزه، دانش‌آموزی دچار نگرانی یا گریه شود، معلم در فضای مجازی دسترسی فوری به او ندارد تا با یک تماس چشمی یا نوازش کلامی، او را آرام کند. والدین در آن لحظه ممکن است در کنار کودک نباشند و کودک با احساسات فروخورده رها شود.

راهکار: همیشه در پایان کلاس مجازی، یک «بخش بازگشت به آرامش» داشته باشید (مثلاً پخش یک موسیقی بی‌کلام آرام یا یک بازی ذهنی ساده) تا کلاس با حس خوب تمام شود

۳.محدودیت در مشاهده و ارزیابی واکنش غیرکلامی

چالش: در فضای مجازی، بسیاری از دانش‌آموزان دوربین خود را خاموش می‌کنند یا در حالتی هستند که معلم نمی‌تواند چهره آن‌ها را ببیند. در نتیجه، معلم نمی‌داند آیا طرح برای دانش‌آموز «امیدبخش» بوده یا «اضطراب‌آور»

راهکار : استفاده از نظرسنجی‌های ساده در چت‌باکس: «بچه‌ها، بعد از شنیدن قصه، الان چه حسی دارید؟ قلب قرمز برای امید، خورشید برای مهربانی.

۴.چالش‌های فنی و نابرابری در دسترسی

چالش: کیفیت اینترنت، قطع و وصل شدن صدا و تصویر، و یا حتی تاخیر در انتقال پیام، می‌تواند «روایتگری» معلم را از هم گسسته کند. این قطعی‌ها باعث می‌شود پیام اصلی (همدلی و پایداری) به درستی منتقل نشود و تبدیل به مجموعه‌ای از جملات پراکنده شود.

راهکار: محتوا را به جای «زنده اجرا کردن»، به صورت یک «پادکست کوتاه» یا «ویدئوی تدوین‌شده» برای دانش‌آموزان بفرستید تا هر کودک در زمان مناسب و با کیفیت خوب آن را دریافت کن.

۵.دخالت یا نظارت مستقیم والدین

چالش: در فضای مجازی، والدین مستقیماً شنونده درس هستند. این مسئله می‌تواند باعث شود معلم ناخودآگاه سانسور شدید خودخواسته داشته باشد یا برعکس، والدین به دلیل تفاوت در دیدگاه‌های شخصی، در حین کلاس مجازی واکنش‌های تندی نشان دهند که تمرکز کلاس را به هم بزند.

راهکار: شفاف‌سازی دقیق هدف طرح برای والدین (مثلاً در گروه ایتا یا شاد) پیش از اجرای آنلاین، جهت هم‌سو کردن آن‌ها.

نقاط قوت طرح

اجرای طرحی با عنوان «قصه‌ی پایداری: قلبی برای غزه» در مقطع دبستان، با وجود چالش‌هایی که بررسی کردیم، نقاط قوت تربیتی و آموزشی بسیار قابل‌توجهی دارد که آن را از یک فعالیت صرفاً سیاسی یا خبری متمایز می‌کند. در اینجا به بررسی نقاط قوت این طرح می‌پردازیم:

۱. تبدیل «انفعال رسانه‌ای» به «کنشگری مثبت»

بزرگ‌ترین نقطه قوت طرح این است که دانش‌آموز را از یک «تماشاچی منفعل صحنه‌های دلخراش تلویزیونی» به یک «عضو فعال و مهربان» تبدیل می‌کند. به جای اینکه کودک با دیدن اخبار، احساس ترس و ناتوانی کند، می‌آموزد که می‌تواند با نقاشی، نامه یا دعا، سهم کوچکی در انتقال حس همبستگی داشته باشد. این یعنی افزایش اعتماد به نفس اجتماعی در کودک.

۲. آموزش «همدلی» به‌عنوان یک مهارت زندگی

آموزش همدلی یکی از ارکان هوش هیجانی است. این طرح به کودک می‌آموزد که فراتر از مرزهای جغرافیایی، می‌تواند با رنج یک هم‌نوع دیگر (کودک غزه) ارتباط برقرار کند. این تمرین ذهنی، او را در آینده به انسانی مسئولیت‌پذیر، دلسوز و دارای نگاه جهانی تبدیل می‌کند.

۳. الگوسازی «مقاومت»

الگوسازی «مقاومت» به مثابه‌ی یک ارزش اخلاقی با بازتعریف مفهوم مقاومت به «نه گفتن به زورگویی» و «دفاع از خانه»، این مفهوم از یک واژه‌ی پیچیده و سیاسی به یک فضیلت اخلاقی تبدیل می‌شود. کودک یاد می‌گیرد که «حق‌طلبی» و «ایستادگی در برابر ظلم فضیلت‌های ارزشمندی هستند که در هر جای دنیا می‌توانند معنا پیدا کنند.

۴. بستری برای تخلیه هیجانی و ابراز وجود

استفاده از هنر (نقاشی و قصه‌گویی) نقطه قوت ساختاری طرح است. برای کودکانی که ممکن است اضطراب‌های نهفته ناشی از شنیده‌هایشان درباره جنگ داشته باشند، این فعالیت‌ها مانند یک «اتاق درمان» عمل می‌کند. نقاشی کردن، بهترین راه برای این است که کودک، ترس‌ها و امیدهایش را بدون نیاز به کلمات دشوار، روی کاغذ بیاورد.

۵.تقویت تفکر انتقادی (در لایه‌های اولیه)

اگرچه طرح برای سن دبستان طراحی شده، اما همین‌که کودک می‌پرسد «چرا خانه‌های آن‌ها خراب می‌شود؟» یا «چرا آن‌ها باید بجنگند؟»، شروعی برای تفکر چرایی محور است. طرح، معلم را در جایگاهی قرار می‌دهد که پاسخ‌های مسئولانه، صادقانه و انسانی ارائه دهد و ذهن کودک را با پرسش‌های بنیادین اخلاقی مواجه کند.

ضعف‌ها و کاستی‌های طرح

۱.خطر «بزرگسال‌انگاری»

یکی از بزرگ‌ترین خطاها در آموزش به کودکان، تحمیل مفاهیم بزرگ‌سالانه به ذهن آن‌هاست. مفاهیمی مثل «مقاومت»، «ظلم»، «دفاع» و «غزه» دارای بار معنایی سنگینی هستند که هضم آن‌ها برای ذهن کودک ۷ تا ۱۲ ساله بسیار دشوار است. ممکن است کودک بدون آنکه مفاهیم را درک کند، تنها کلمات را طوطی‌وار تکرار کند که منجر به «شکل‌گیری کاذب باورها» می‌شود.

۲.پدیده «شوک ثانویه»

حتی اگر معلم روی «امید» تمرکز کند، روایت زندگی در محیطی که «جنگ» در آن جریان دارد، برای برخی کودکان با حساسیت‌های روحی بالا، ایجاد ترس می‌کند. ممکن است کودک به جای همدردی، دچار «ترس از ناامنی در محیط زندگی خود» شود. یعنی به جای فکر کردن به کودک غزه، نگران این باشد که آیا خانه‌ی خودش هم ممکن است ناگهان ناامن شود؟

۳.خطر «سیاه‌وسفیددیدن جهان»

برای کودکان دبستان، تفکر «قهرمان/ضدقهرمان» طبیعی است، اما این طرح ممکن است ناخودآگاه این نوع نگاه را در ذهن آن‌ها تثبیت کند.

آموزش نگاه دوقطبی (ما خوب/آن‌ها بد) می‌تواند در آینده مانع از شکل‌گیری «تفکر انتقادی» و «تحلیل چندجانبه» در دانش‌آموز شود. این کار باعث می‌شود کودک عادت کند جهان را به صورت ساده‌انگارانه به دو گروه کاملاً خوب و کاملاً بد تقسیم کند

۴.عدم تعادل بین «عواطف» و «واقعیت»

تأکید بیش از حد بر بُعد عاطفی (همدلی) ممکن است از پرداختن به جنبه‌های واقع بینانه (بدون ورود به بحث‌های سیاسی سنگین) جلوگیری کند .دانش‌آموز ممکن است در نهایت تنها یک «احساس زودگذر» نسبت به موضوع پیدا کند که با اولین رخداد یا تغییر شرایط در فضای مجازی، به کلی فراموش شود. در واقع، این طرح می‌تواند به جای «آموزش عمیق»، به یک «نمایش احساسی کوتاه‌مدت» تبدیل شود.

۵.فشار اجتماعی بر دانش‌آموز

در محیط کلاس (به‌ویژه در فضاهای پرشور) ممکن است دانش‌آموزی که تمایلی به مشارکت ندارد یا نمی‌تواند با روایت معلم ارتباط برقرار کند، تحت فشار قرار گیرد.

احساس «مجبور بودن برای همدردی کردن» می‌تواند باعث ایجاد تظاهر و نفاق در رفتار کودک شود. کودک یاد می‌گیرد برای تایید گرفتن از معلم یا هم‌کلاسی‌ها، وانمود به حسی کند که در درونش نیست.

۶.آسیب به پیوند خانه و مدرسه

ورود مدرسه به حوزه‌هایی که خانواده‌ها ممکن است تعاریف متفاوتی از آن‌ها داشته باشند، بدون جلب مشارکت کامل اولیا، ریسک بزرگی است.

گر والدین احساس کنند مدرسه از جایگاه آموزشی خود خارج شده و در حال جهت‌دهی به افکار فرزندشان است، اعتماد خود را به سیستم مدرسه از دست می‌دهند. این تنش، بیش از هرکس، به دانش‌آموز آسیب می‌زند.

برای کاهش این نقاط ضعف، معلم باید:

۱.رویکرد پرسش‌گری به جای «تحمیل روایت»: اجازه دهد بچه‌ها سوالاتشان را بپرسند

۲. تمرکز بر «انسانیت» نه «ایدئولوژی»: موضوع را حول محور «حق داشتن خانه و بازی» (حقوق اساسی کودک) نگه دارد.

۳.انتخاب داوطلبانه: هیچ دانش‌آموزی را مجبور به نوشتن نامه یا نقاشی نکند؛ اجازه دهد هرکس به میزان درکش در طرح سهیم باشد.